

International Conference on Research and Innovation in Arts and Humanities

جمهوری اسلامی ایران و تاجیکستان؛ ظرفیت ها و فرصت های روابط فرهنگی

مهدیه شادمانی

دانشجوی دکتری، دانشکده علوم اقتصاد و اداری، دانشگاه اصفهان، ایران

Shadmani.mahdiye@yahoo.com

چکیده

فروپاشی شوروی فرصتی مغتنم را برای جمهوری اسلامی ایران ایجاد کرد ، تا با توجه به اشتراکات فراوانی که در منطقه آسیای مرکزی دارد، در راستای فعالیت های فرهنگی، اقتصادی و سیاسی اقداماتی را انجام دهد. تاجیکستان یکی از گزینه های مهم ایران جهت آغاز فعالیت بود. با توجه به پیوند های مشترک ۲ ملت، جمهوری اسلامی ایران تلاش می کند با اتکاء به فرهنگ ایرانی، اسلامی زمینه همگرایی بیشتری را ایجاد کند. هدف اصلی این مقاله واکاوی مولفه های شکل دهنده و تاثیر گذار در روابط ۲ کشور می باشد. در واقع هدف، پاسخگویی به این پرسش اساسی است که جمهوری اسلامی ایران با توجه به اشتراکات تاریخی، هویتی، فرهنگی و زبانی با تاجیکستان، در راستای راهبرد های نظام در دیپلماسی فرهنگی چه استراتژی را مد نظر داشته و تا چه میزان موفق بوده است؟ این پژوهش بر اساس روش تحلیلی-تبیینی نگارش شده است. و چارچوب نظری مورد نظر، سازه انگاری می باشد.

واژگان کلیدی: تاجیکستان، ایران، فرهنگ، تاریخ، زبان فارسی

International Conference on Research and Innovation in Arts and Humanities

Islamic Republic of Iran and Tajikistan, capacities and opportunities of cultural relations

Mahdiye Shadmani

PhD student, Faculty of Economics and Administrative Sciences, University of Isfahan, Iran

Abstract

The collapse of the Soviet Union created an opportunity for the Islamic Republic of Iran. According to the Central Asian region has a lot in common. In line with cultural activities, economic and political measures to do. Tajikistan was one of the most important options to start-up of Iran. According to the common bond of 2 people, Iran is trying to build a culture, to create more convergence of the field. The main objective of this paper explores the factors that shape and influence the relations of two countries. In fact, to answer the fundamental question that the Islamic Republic of Iran with regard to shared history, identity, culture and language with Tajikistan. In line with the strategies of cultural diplomacy strategy has been successful in mind and to what extent? This research has been prepared based on analytical-explanatory. And the theoretical framework, is constructivism.

Keywords: Tajikistan, Iran, culture, history, language Farsi

مقدمه

در عصر جهانی شدن فرهنگ، تمرکز بر سیاست های فرهنگی در برابر فشار سنگین فرهنگ جهانی و از میان بردن فرهنگ های بومی و محلی از اعتبار ویژه ای برخوردار است. اینک در مناطق گوناگون جهان روش ها و ابزار گوناگون برای پاسداری از فرهنگ های محلی به کار گرفته می شود. سیاست فرهنگی برای تامین منافع ملی همه کشورها نفوذ روز افزون خود را مطرح ساخته است؛ به گونه ای که برخی از کارگزاران فرهنگی در شرایط کنونی نقشی برتر از مجریان اصلی سیاست خارجی کشور پیدا کرده اند. آن ها برای پایداری تامین منافع کشورها از طریق عرصه های فرهنگی، شکل گیری هویت های منطقه ای را در مسیر تامین منافع ملی تحقق

International Conference on Research and Innovation in Arts and Humanities

بخشیده اند. با فروپاشی اتحاد شوروی عرصه ای عظیم از فرهنگ و تمدن ایرانی-اسلامی برای سیاستگذاران فرهنگی جمهوری اسلامی ایران گشوده شد. (کولایی، 1384، ص 85) جمهوری اسلامی ایران که از دیر باز فرهنگی پویا و تمدنی متعالی داشته و تاثیراتی عمیق و گسترده در تمامی مناطق پیرامونی خود بر جای گذاشته است، امروزه می تواند با بهره گیری از دیپلماسی فرهنگی به نحوی مطلوب نفوذ فرهنگی خود را در بسیاری از کشورهای جهان به ویژه مناطقی که دارای تاریخ و پیشینه ای مشترک با حوزه تمدن جمهوری اسلامی ایران هستند، افزایش دهد. در این میان آسیای مرکزی بیشترین قرابت های تاریخی، زبانی و فرهنگی را با جمهوری اسلامی ایران دارد. و لذا با توجه به منافع گسترده جمهوری اسلامی ایران در این منطقه و با استفاده از دیپلماسی فرهنگی می توان به تقویت حوزه نفوذ تمدن و تحکیم قدرت فرهنگی اقدام نمود و به نتایج مطلوبی دست یافت. (اخوان کاظمی، مرادی، 1390، صص 2-3) در میان کشورهای حاضر در منطقه آسیای مرکزی، جمهوری تاجیکستان با توجه به هویت مشترک تاریخی - فرهنگی بیش از پیش خواستار گسترش روابط فرهنگی با جمهوری اسلامی ایران است. با توجه به این که ریشه های اساسی در روابط دو کشور شاخصه های فرهنگی است. تاریخ، آداب و روم، سنت ها، زبان و میراث مشترک نشان می دهد که دو کشور ایران و تاجیکستان از یک پیشینه قوی فرهنگی تغذیه می کنند.

تلاش های 74 ساله کمونیست ها در تغییر خط و زبان نیز نتوانست این موارد مشترک را کمرنگ کند. پس از استقلال، مردم تاجیکستان خواستار ارتباط با کشورهای فارسی زبان، به ویژه ایران بودند. فرهنگ مشترک دو کشور سبب شده است که مردم و روشنفکران تاجیک، ایران را کشور دوم خود بدانند. و معتقد هستند تاجیکستان نقطه جدا شده ای از محدوده فرهنگی ایران است و به شکل طبیعی، برقراری ارتباط فرهنگی از اولین خواسته های این گروه می باشد. (ملکیان، 1391، صص 100-101) این مقاله قصد دارد با روشی تحلیلی- توصیفی و بر پایه نظریه سازه انگاری به بررسی روابط فرهنگی دو کشور تاجیکستان و ایران بپردازد. و به این سوال پاسخ دهد که آیا جمهوری اسلامی ایران با توجه به اشتراکات تاریخی، فرهنگی و دینی با این کشور، توانسته بر پایه فرهنگ ایرانی-اسلامی از ظرفیت های خود در زمینه دیپلماسی فرهنگی بهره گیرد؟

چارچوب نظری: سازه انگاری و پیدایش هویت جمعی

نظریه سازه انگاری یا بر سازنده گرایی (برسازی) با تأکید بر هویت و گفتمان در روابط بین الملل ریشه در مسئله جامعه شناسی شناخت دارد که در دهه 1970 از سوی پیتر برگر و توماس لاکمن در کتاب «ساخت اجتماعی واقعیت: رساله ای در جامعه شناسی شناخت» مطرح شد. (کدخدایی، ساعد، 1390، ص 162) سازه انگاری به انواع مختلفی تقسیم می شود ولی همه اشکال آن در سه گزاره و فرض هستی شناختی مشترک هستند:

International Conference on Research and Innovation in Arts and Humanities

ساختارهای هنجاری و ایده‌ها، هنجارها و ارزشهای بین‌الذهانی مشترک تأثیر و نقش مهمی در سیاست بین‌الملل و سیاست خارجی ایفا می‌کنند. ساختار فکری و هنجاری نقش تأسیسی و تکوینی در شکل‌دهی به هویت و منافع کشورها دارد؛ ساختارهای فکری هنجاری و کشورها متقابلاً یکدیگر را قوام می‌بخشند و می‌سازند. (کیانی، 1386، ص 112) در واقع یکی از نویدهای این نظریه بازگرداندن فرهنگ و سیاستهای داخلی به عرصه نظریه روابط بین‌الملل است. در این روند سعی می‌شود مختصات فرهنگ، سیاست و جامعه داخلی که با هویت و رفتار دولت در سیاست جهانی ارتباط می‌یابد بررسی شود. بر اساس این تحلیل هر نوع هویت دولت در سیاست جهانی تا اندازه‌ای محصول عملکردهای اجتماعی است که باعث تشکیل هویت در داخل می‌شود. بدین ترتیب سیاست هویت در داخل برای هویت و منافع و رفتارهای دولت در خارج، امکانات و همچنین محدودیتهایی را فراهم می‌آورد. (کدخدایی، ساعد، 1390، ص 173) سازه‌انگاری از طریق ارائه یک برداشت سیاست هویت، تلاش می‌کند چگونگی نقش و تأثیر اجتماعات بین‌الملل بین‌الذهانی مانند ناسیونالیسم، قومیت، نژاد، مذهب، حیسیست درسیاست جهانی و سیاست خارجی را توضیح دهد. شناخت چگونگی شکل‌گیری هویتها و منافع و نوع هنجارها و رویه‌هایی که با تولید آن توأم هستند و قوام بخشی متقابل آنها، مهمترین اهداف برنامه پژوهشی سازه‌انگاری است اهمیت موضوعات هویتی از قبیل: هنجارها، ایده‌ها، یادگیری و تشکیل هویت به این علت است که سازه‌انگاری تصور می‌کند هویتها به صورت بالقوه، بخشی از رویه‌های قوام بخش کشور بوده و در نتیجه، کنشهای آن را در داخل و خارج باعث می‌شود. منظور کردن سیاست هویت، به معنای قائل شدن تفاوت و تمایز میان کشورها از طریق اذعان به نقش‌سازنده فرهنگ به مثابه یک نظام معانی بین‌الذهانی و ساختار اجتماعی در شکل‌گیری و تکوین هویت و منافع کشور هاست. (کیانی، پیشین، ص 111) همچنین ماکس وبر که به نحوی بین قدرت و ایده‌ها (زبان، فرهنگ و ...) ارتباط قائل می‌باشد معتقد است تمرکز بر روی قدرت از دیدگاه سازه‌انگاری بر وجهه‌گفتمانی است که از طریق قدرت عمل، درک می‌گردد. (پور پیمان، 1384، ص 130) از نگاه سازه‌انگاران، نشانه یک فرهنگ کاملاً درونی شده این است که کنشگران با آن به خود هویت می‌بخشند و آن را به «دیگری» تعمیم یافته، و بخشی از فهم‌شان از «خود» تبدیل کرده‌اند. این هویت بخشی، حس تعلق به یک گروه یا «ما» هویتی جمعی یا اجتماعی است که کنشگران را در حفظ فرهنگ خود ذی‌علاقه و ذی‌نفع می‌سازد. منافع جمعی به این معنی است که کنشگران رفاه گروه را به هدفی ذاتی تبدیل می‌کنند که به نوبه‌ی خود به آنها کمک می‌کنند مشکلات کنش جمعی را که کنشگران خود محور با آن مواجه هستند، حل کنند. کنشگرانی که به خوبی جامعه پذیر شده‌اند، در مواردی که فرهنگ‌شان با تهدیدی مواجه می‌شود، به شکلی غریزی به دفاع از آن بر می‌خیزند. کنشگران همچنان عقلانی‌اند، اما واحدی که مفیدیت و کنش عقلانی را بر مبنای آن محاسبه می‌کنند، گروه است. (ونت، 1386، ص 492 و 491) اساساً هویت دولتها در کانون نظریه‌سازانگاری قرار دارد. هویت

International Conference on Research and Innovation in Arts and Humanities

فرهنگ و هنجارها هم در سطح داخلی و با تعامل افراد و گروهها در درون آنها و گفتمان های داخلی شکل می گیرند، هم در سطح بین المللی و در تعامل دولت ها، تجربه های بین المللی، نهادهای بین المللی و... سازه انگاران با تاکیدى که بر نقش زبان، معانی، قواعد، هنجارها، نهادهای فرهنگ و هویت... در برساخته شدن روابط بین الملل موجود دارند، به ما می وید در جهانی که کنشگران بر اساس معانی بین الاذهانی و هنجارها و ارزش های مشترک خود عمل می کنند، چه راهبرهایی در سیاست خارجی می تواند چه هزینه یا امتیاراتی (با توجه به منافعی که خود کنشگران برساخته و مفروض گرفته اند) داشته باشد (صالحی امیری، محمدی، 1389، ص 285) اشتراکات فرهنگی و تاریخی ایران با کشورهای منطقه آسیای مرکزی به گذشته ای باز می گردد که کشورهای آن منطقه با ایران دارای سرنوشت مشترکی بوده اند. قلمرو جغرافیایی واحد در گذشته سبب گردیده بود که این کشورها رویکرد اقتباسی به فرهنگ و آداب و رسوم ایرانی داشته باشند. به گونه ای امروزه بسیاری از آداب و رسوم و سنتهایی که برخی از آنها حتی در ایران که پدید آمده اند فراموش شده است، ولی در آسیای مرکزی پابرجا مانده است. فراوانی مشاهیر مشترکی که هم ایرانیان و هم تاجیکها، ترکمنها، قزاقها و ازبک ها به داشتن آنان مفتخرند گونه دیگری از اشتراکات است. این اشتراکات در حوزه زبانی نیز شامل می شود. مردم کشور تاجیکستان عموماً فارسی زبانند و تکلم به زبان فارسی دری در میان ایشان رواج دارد. شعرای بسیار بزرگی همچون صدرالدینی، گلرخسارو... از میان مردم تاجیک برخاسته اند و اشعار آنان در میان مردم ادب دوست آن خطه با استقبال مواجه شده است. (محمودی، 1386، ص 9) ایران و تاجیکستان در آسیای مرکزی دارای مشترکات فراوانی در تاریخ، فرهنگ، زبان و دین هستند، از این رو علایق و پایبندی به آداب و رسوم اجداد و نیاکان موجب افزایش میزان همبستگی بین ساکنان هر دو کشور گردیده است. جشن نوروز و عشق به ادبیات مشترک و شعرای بزرگ فارسی زبان پیوند دیرینه ای را بین مردم هر دو کشور بوجود آورده است که در صورت توجه به آن می تواند در اشاعه فرهنگ ایرانی، اسلامی با حفظ هویت ملی، بصورت منطقه ای تاثیر مناسبی داشته باشد. (رحمانی، 1387، ص 73) بنا بر این با توجه به اشتراکات تاریخی، فرهنگی و دینی میان دو کشور تاجیکستان و جمهوری اسلامی ایران می توان شاهد شکل گیری هویت مشترک بود. اشتراکات تمدنی و تاثیرگذاری فرهنگ ایران بر فرهنگ تاجیکستان، سبب حاصل شدن فهمی بین الاذهانی و مشترک می گردد. که بر اساس نظریه سازه انگاری می توان از طریق انتقال هنجارها و ارزش ها، به هویت جمعی یکسانی دست یافت.

روابط فرهنگی ایران و تاجیکستان

International Conference on Research and Innovation in Arts and Humanities

تاجیکستان کشوری واقع در جنوب شرقی جمهوری های آسیای مرکزی است. جمهوری که با توجه به سرشماری ژانویه 1989 بیش از 5 میلیون نفر جمعیت دارد که اکثراً تاجیک هستند اما اقلیتی نیز از ازبکستان وجود دارد و تعداد نسبتاً کمی هم از روسها. (atkin, 1989, p. 606) این کشور دارای هویت تاریخی و فرهنگی یکسانی با ایران می باشد. ایران و تاجیکستان، دو پاره از سرزمین «ایران بزرگ» هستند. در زمان اتحاد شوروی وقتی مرزبندیهای سیاسی شروع شد، متغیرهای فرهنگی به ویژه در زبان آغاز شد. الفبا به سریلیک و لاتین تبدیل شد و در سال 1940 دوباره به سریلیک تبدیل شد. با این وجود تعامل های گفتمانی هیچ گاه گسسته نشد. (ملکیان، پیشین، ص 97) در آن زمان تبادل ادبی در دهه 60 میلادی صورت می گرفت که عبارت بود از:

الف) تشکیل انجمن شعر فارسی در تاجیکستان: در دهه شصت میلادی (1968 م)، انجمن شعر فارسی در تاجیکستان برگزار شد و شاعران و نویسندگان از ایران و افغانستان از جمله دکتر پرویز ناتل خانلری، سعید نفیسی، نادر نادریپور و ژاله بدیع در آن شرکت داشتند و عمده ترین مسائل شعر معاصر تاجیکستان از جمله شعر نو مورد بحث قرار گرفت. پژوهشگران عقیده دارند اوج فعالیت ادبی شاعران نوپردازی همچون لابق شیر علی، مومن قناعت، گلرخسار و بازار صابر، بعد از انجمن مذکور و تبادل ادبی ایران و افغانستان با تاجیکستان صورت گرفته است.

ب) نشر چاپ اشعار نوپردازان ایرانی در تاجیکستان: بعد از تشکیل انجمن شعر فارسی در تاجیکستان و نیز حضور شوروی در تاجیکستان، چاپ و نشر آثار شاعران نوپرداز ایرانی در تاجیکستان به خط فارسی و روسی شدت و گسترش یافت. به دنبال اعلام سیاست پروستریکا و گلاسنوست، تاجیکان در نهم سپتامبر سال 1991 م اعلام استقلال کرد و حصار آهنین و هفتاد و چهار ساله شوروی از هم فرو ریخت و کمونیسم و شوروی برای همیشه به تاریخ پیوست. پس از استقلال تاجیکستان، اولین و مهم ترین مقصد اهل علم و فرهنگ و ادب تاجیکستان، ایران زمین بود. و سیل عظیمی از ادیبان و دانش پژوهان به کشور یکدیگر سفر می کردند. (بهاری اردشیری، 1386، صص 126-127) ایران نخستین کشوری بود که استقلال تاجیکستان را به رسمیت شناخت و سفارت خود را در دوشنبه افتتاح کرد. تاجیکها نیز به پاس قدرشناسی، خیابانی که سفارت ایران در آن واقع است را از ماکسیم گورکی پدر ادبیات شوروی سابق به خیابان تهران تغییر نام دادند. سفارت تاجیکستان در تهران 4 سال پس از دایر شدن سفارت ایران در دوشنبه در سال 1374 رسماً افتتاح شد. (جوادی ارجمند، اسمعیلی، 1391، ص 106) روابط فرهنگی تاجیکستان با جمهوری اسلامی ایران همواره رو به رشد است و فعالیتهای انجام شده در این زمینه بر تحکیم و تعمیق روزافزون این همکاریها و تعاملات دلالت می کند. این روابط دو طرفه که از بدو تاسیس سفارتخانه های جمهوری اسلامی ایران در

International Conference on Research and Innovation in Arts and Humanities

پایتخت تاجیکستان در سال 1991 بنا شد، امروز بدون مبالغه به یک کاخ عظیم با شکوه تبدیل شده است. علمی و فرهنگی یکی از صفحات درخشان روابط تاجیکستان و ایران به شمار می‌رود. تبادل تجربه دانشمندان، استادان، دانشجویان، عملی ساختن برنامه‌های فرهنگی و موسیقی، اشتراک اهل علم و فرهنگ در جلسات فرهنگی از فضایل اصلی این مناسبات می‌باشند. آغاز همکاریهایی که در سطح وزارت‌های فرهنگ هر دو دولت در جریان سفر وزیر فرهنگ جمهوری تاجیکستان و ریاست کمیته تلویزیون و رادیوی حکومت جمهوری تاجیکستان به ایران در سال 2007 صورت گرفت در مورد تطبیق سندهای امضاء شده قدم استواری بود برگزاری هفته‌های فرهنگی دو کشور در سالهای گذشته، شرکت هنرمندان دو کشور در جشنواره‌های سینمایی و تئاتری، ساخت فیلم مشترک (از جمله سریال "شکرانه")، کسب جوایز معروف در جشنواره تئاتر فجر (نمایشنامه "رستم و سهراب" - و تئاتر جوانان تاجیکستان بنام محمود واحد)، کسب جایزه برتر جشنواره فیلم فجر (فیلم "قیام روز"، ساخت ناصر سعیداف)، شرکت دانشمندان و فرهنگیان تاجیک در نمایشگاه سالانه بین‌المللی کتاب تهران، تبادل دانشجویان میان دو کشور، چاپ کتابهای ادیبان با دو خط - فارسی و سریلیک در دو کشور، شرکت شاعران تاجیک در "نخستین شب شعر اکو"، که اخیراً در تهران برگزار گردید، نمونه‌ای از این همکاریهای فرهنگی است، که آوردن همه آنها در این سامانه امکان‌پذیر نیست. سریال "شکرانه" که در سال 2007 از طرف فیلم برداران ایرانی با مشارکت هنرمندان تاجیک فیلمبرداری شد در معرفی فرهنگ و تاریخ مردم تاجیک و در مجموع جمهوری تاجیکستان به مردم ایران سهم بسزایی داشت. 12 اکتبر سال 2008 در محل سفارت جمهوری تاجیکستان در تهران محفل ادبی مربوط به هفدهمین سالگرد روز استقلال جمهوری تاجیکستان و 1150 سالگرد زادروز سردفتر ادبیات کلاسیک تاجیک و فارس استاد ابو عبدالله رودکی با شرکت نمایندگان دیپلماتی مقیم تهران، سازمانهای بین‌المللی مستقر در تهران، مهمانانی از تاجیکستان و نمایندگان علم و ادب ایران برگزار شد. 13 می سال 2011 در تهران در حاشیه بیست و چهارمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران در تالار ---- نمایشگاه مذکور با شرکت سفارت جمهوری تاجیکستان در جمهوری اسلامی ایران و انجمن دوستی ایران و تاجیکستان محفلی بیاد هفتادمین سالگرد شاعر مردمی تاجیکستان، برنده جایزه دولتی رودکی جمهوری تاجیکستان لایق شیرعلی برگزار گردید. بر اساس اسناد بین‌دولتی و قراردادهایی که میان وزارت‌های معارف هر دو دولت به امضاء رسیده‌اند سطح همکاری در این بخش نیز قابل‌تأمل است. دانشجویان تاجیک در دانشگاه‌های عالی شهرهای تهران، مشهد، قزوین، اصفهان و همدان تحصیل می‌نمایند. بخش عمده محصلین از طریق وزارت معارف تاجیکستان در بخش زبان و ادبیات آموزش می‌گیرند. تعدادی در مدرسه‌های دینی مرکز علوم اسلامی در شهرهای قم، گرگان و زاهدان دانش می‌آموزند. بخش عمده محصلین از طریق وزارت معارف تاجیکستان به ایران آمده‌اند و اکثر آنها دانشجویان بخش زبان و ادبیات هستند. تاسیس مدرسه بین‌المللی تاجیکستان - ایران که ساختمان آن در حال آغاز است، با سرمایه‌گذاری وزارت

International Conference on Research and Innovation in Arts and Humanities

آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران صورت می‌گیرد. 400 هزار نسخه کتاب " الفبای نیاگان " برای کلاسهای 3 تا 5 محصلین مدارس عمومی جمهوری تاجیکستان از طرف وزارت آموزش و پرورش کشور ایران چاپ و مورد بهره‌برداری قرار گرفت . تبادل منظم هیاتهای علمی و ادبی بصورت امری مرسوم درآمده است . تعداد زیادی از تاجیکان در دانشگاههای ایران تحصیل می‌کنند ، در تاجیکستان نیز بیش از 1300 نفر دانشجوی و کاندیدای دکترای ایرانی در رشته های گوناگون علم مشغول به تحصیل هستند. در حال حاضر نیز مساله افتتاح شعبه دو دانشگاه معتبر ایران در دوشنبه مورد بررسی قرار دارد . در هر صورت می توان گفت نهال نوبر روابط فرهنگی دو کشور هم اکنون به درختی تنومند و پر شاخ و برگ تبدیل یافته است ، که روز به روز گسترده تر و فراخ تر می گردد. دلیل ثمره مثبت این همکاریها همانا ریشه های مشترک فرهنگی و تاریخی و دیرینه است که از قرنهای پیش بنا نهاده شده و در حال حاضر شاهد شکوفایی و پویایی بیشتر آن هستیم. این خواست مقامات سیاسی و فرهنگی و مردمان دو کشور می باشد که بر رشد و پیشرفت آن تلاش و حسن نیت خالصانه خود را ثابت می کنند . همانطور که مشخص است و تجربه نشان می دهد ، سطح روابط هر کشور را پیش از همه از روی میزان همکاریهای فرهنگی آن بها می دهند که در چه پایه ای قرار دارد و اگر مناسبات فرهنگی و ادبی هر کشوری با کشور دیگر بهتر باشد ، چون روابط فرهنگی از سینه هر ملت و دولتمردان آن بر می آید و در واقع صدای واقعی و قلبی آنها ست . از اینرو رشد هر چه بهتر این همکاریها میان دو کشور دوست و برادر را در آینده نزدیک شاهد خواهیم بود . (tajembiran, 2013, p.1)

امتیازات فرهنگی ایران و تاجیکستان:

الف) مذهب

تاجیکستان از دیر باز محل برخورد دین ها و مذاهب گوناگون بوده است. این سرزمین با فرهنگ های چین ، ایران و... همسایه بوده و جریان های دینی و فرهنگی آنها، این جمهوری را تحت تاثیر قرار داده است. (آفاق مهر، 1386، ص 99) این جمهوری با بیش از هفت میلیون جمعیت یکی از کشورهای مسلمان نشین در محدوده اتحاد شوروی بود که توانست در طول بیش از هفتاد سال دین ستیزی کمونیستی ، جمعیت خود را با دین اسلام حفظ کند. (اکبر، 1388، ص 88) مذهب اکثر مردم تاجیکستان سنی و از شاخه های حنفی می باشند و ابوحنیفه را تحت عنوان امام اعظم می شناسند. گروه کوچکی از شیعیان اسماعیلی در کوه های پامیر در منطقه بدخشان زندگی می کنند. تعدادی مسلمان شافعی مذهب نیز در تاجیکستان زندگی می کنند. اهل سنت تاجیکستان به اهل بیت و ائمه شیعه و به ویژه برای امام علی علیه السلام و امام حسین علیه السلام و امام جعفر صادق علیه السلام احترام خاصی قائلند و بسیاری آرزوی زیارت مرقد امام رضا علیه السلام را دارند. در حال

International Conference on Research and Innovation in Arts and Humanities

حاضر گروهی از اهل تسنن خود را به خاندان اهل بیت علیهم السلام منسوب می‌دانند. این گروه را صوفی می‌نامند و رهبران آنان لقب «ایشان» دارند. مسلمانان بدخشان تاجیکستان پیروان مذهب اسماعیلیه به رهبری آقاخان می‌باشند. شرق و جنوب شرقی تاجیکستان محل اقامت این دسته از تاجیکان است. در حال حاضر 90% شیعیان ساکن بدخشان شیعه اسماعیلی و 10% نیز اثنی عشری هستند. گروهی از اقلیت‌های مسیحی، زرتشتی و یهودی در تاجیکستان وجود دارند. مسیحیان دارای کلیسا و گورستان معروفی در دوشنبه هستند. اکثریت آن‌ها را روس‌ها و مهاجران آلمانی تبار تشکیل می‌دهند. قبل از جنگ‌های داخلی در تاجیکستان، در شهر دوشنبه 15000 یهودی زندگی می‌کردند که به دنبال تغییرات سیاسی و اجتماعی تاجیکستان این سرزمین را ترک گفته، به اسرائیل مهاجرت نمودند. در حال حاضر در دوشنبه حدود 5000 یهودی باقی مانده است (<http://www.irtjstudent.com>). اما مسئله مهم در میان مسلمانان تاجیکستان ظهور فرقه سلفیه می‌باشد که همانند القاعده و داعش دارای تفکرات تندروی اسلامی می‌باشند. رفتارهای بی‌پروای پیروان گروه نوظهور سلفیه این مساله را آشکار کرد که آنان می‌توانند جامعه تاجیکستان را که تنها ۱۰ سال قبل از یک جنگ داخلی و درگیری‌های سیاسی و مذهبی‌رهایی یافته است دوباره با فضای اختلاف و بحران تازه سیاسی مواجه سازند. روحانیون حنفی تاجیکستان بر این باورند که نوع فعالیت سلفیه نشان می‌دهد که آنها همانند وهابیان هستند که در ابتدای سال ۱۹۹۰ میلادی وارد فضای مذهبی و سیاسی تاجیکستان شده و برای پیاده کردن اهداف سیاسی خود جامعه را وارد یک جنگ داخلی پنج ساله کردند و آنها گماشته غرب و وابسته به وهابیون هستند. "امان الله نعمت زاده" رئیس شورای علمای تاجیکستان پیشتر در یکی از خطبه‌های نماز جمعه در مسجد جامع دوشنبه با انتقاد شدید از این گروه گفت: ما ابتدا فکر می‌کردیم آنها که مدعی پیرو اسلام ناب و سلف صالح هستند اصول و آداب رایج اسلامی را رعایت می‌کنند، ولی دیدیم که آنها با سوء استفاده از سادگی مردم و تحمل علما با اعمال روش و بدعت جدید در گزاردن نماز میان مسلمانان تاجیکستان تفرقه ایجاد کردند. جامعه تاجیکستان که بیش از ۹۰ درصد آنها حنفی‌مذهب هستند، طی صدها سال سنت‌های دینی و مذهبی را رعایت کردند اما گروه تازه ظهور سلفیه با پیدا کردن جای پا در مساجد شیوه نمازگزاری اهل سنت را مشکوک و نماز آنها را باطل خواندند و جوانان را به پیروی از ایده خود دعوت کردند. وی گفت: سلفی‌ها که بدون تردید از خارج حمایت و هدایت می‌شوند، باید بدانند که تحمل و نرمش ما حدی دارد و اگر مجبور شویم در واکنش به عملکرد بی‌شرمانه آنها به اقدامات قاطع دست خواهیم زد. گروه سلفیه در تاجیکستان با نادیده گرفتن هشدارهای روحانیون و مقامات رسمی از جمله رئیس شورای علمای تاجیکستان گام‌های تازه‌ای را برای اجرای اهداف خود برداشت و تبلیغات خود را برای جذب مسلمانان تاجیک افزایش داد تا این که دادگاه عالی تاجیکستان با پیشنهاد دادستانی کل این کشور در اوایل ماه ژانویه گذشته با صدور حکمی فعالیت این گروه را ممنوع اعلام کرد. هرچند با صدور حکم دادگاه عالی تاجیکستان فعالیت علنی مبلغان و پیران سلفیه در

International Conference on Research and Innovation in Arts and Humanities

این کشور محدود و آنان به تبلیغات زیر زمینی متوسل شدند، اما کارشناسان سیاسی و دولتی بر این باورند که هر نوع وجود سلفی‌گری در فضای مذهبی کشور تهدیدی برای ثبات و امنیت کشور است. (آفتاب، 1388، ص 1)

ب) زبان و خط فارسی

زبان ملی جمهوری تاجیکستان، فارسی تاجیکی است. که از گروه زبان‌های جنوب خاوری ایران به شمار می‌رود. زبان تاجیکی در تاریخ پیدایش خود، پس از خط تصویری، خط میخی را انتخاب کرده بود. در دوران هخامنشیان نیز خط تاجیکها همانند دیگر نقاط ایران میخی بود. آنها از خط سعدی نیز استفاده می‌کردند. در دوران استیلای اعراب، خط و زبان آنها رایج شد. از سال 1928-29 الفبای مذکور نخست به الفبای دیگری تبدیل شد که مبنای آن خط روسی یا سیریلیک است. و در 22 ژانویه 1991 زبان و خط فارسی در تاجیکستان به رسمیت شناخته شد و الفبای سیریلیک به فارسی تغییر یافت. (آفاق مهر، پیشین، ص 99)

زبان تاجیکی گونه‌ای از زبان فارسی است که با اندک تفاوتی در واژگان و چگونگی تلفظ و بعضی از آواها، تاجیکی زبان اکثر ساکنان جمهوری تاجیکستان و زبان دولتی این جمهوری است. زبان‌های فارسی، تاجیکی، پشتو و آسی (اوستی) و کردی و بلوچی و نیز بسیاری زبان‌ها و لهجه‌های دیگر جزو زبان‌های ایرانی به شمار می‌روند که در ایران و بیرون از مرزهای کنونی آن رواج دارند. زبان‌ها و لهجه‌های دیگر جزو زبان‌های ایرانی دیگر در تاجیکستان که بدانها سخن می‌گویند، عبارتند از: زبان‌های پامیری همچون شوغانی و روشنی و یزغولمی و خنی و اشکشمی و جز آن (در ناحیه کوهستانی بدخشان که جزو جمهوری تاجیکستان است) و نغیابی (در دره نغیاب تاجیکستان). از گفته‌های ابن مقفع و طبری و مقدسی چنین برمی‌آید که از قرون دوم و سوم هجری به بعد زبان فارسی در بلخ متداول بوده است. زبان فارسی از مرو و بلخ و دیگر مراکز اقتصادی و فرهنگی مشرق خراسان به سرزمین ماوراءالنهر (آن سوی رود جیحون) انتشار یافت و در طی سده‌های پیاپی با زبان‌های ایرانی محلی - زبان‌های سغدی و تخاری - برخورد و آمیزش داشت. (متین دوست، 1379، ص 61)

تاجیکان جشنهای اولین سالگرد استقلال کشور خود را با پرده برداری از پیکره فردوسی آغاز کردند. به ویژه اینکه مجسنه‌های اولین سالگرد استقلال کشور خود را به جایش پیکره فردوسی را گذاشتند. در آن روز این بیت مکرر خوانده شد که «بسی رنج بردم در این سال سی / عجم زنده کردم بدین پارسی» تاجیکان نیک آگاهند که زبان فارسی یکی از عمده‌ترین ارکان تجدید حیات ملی و حفظ هویت فرهنگی و استقلال کشورشان است. امپراطوری شوروی اجازه داده بود که تاجیکان پوشش و آرایش، ترانه‌ها و رقص‌ها و غذاهای خود را حفظ کنند ولی کوشیده بود زبانشان را حتی الامکان پس بزند و زبان روسی را جایگزین آن کند. روسها از یک سو و آموزش خط فارسی را متوقف کردند و به تاجیکان آموختند که خط سیریلیک را به کار برند و بدی ترتیب آنان را از خواندن کتابها و مجله‌ها و

International Conference on Research and Innovation in Arts and Humanities

روزنامه‌هایی که به خط فارسی موجود بود یا در کشورهای دیگر منتشر می‌شد محروم کردند. و از سوی دیگر اداره کلیه شوون مهم کشور را یا به دست مهاجران روسی سپردند یا به کف تاجیکان روسی آموخته وفادار به مارکسیسم روسی و دولت روسی اتحاد شوروی. در نتیجه زبان روسی به زبان علمی، فلسفی، فنی و اداری و حتی ارتباطی روزمره مردم تبدیل شد (ایرانی، 1371، ص 3) در طول هفتاد سال حاکمیت کمونیستها بر تاجیکستان خط و زبان این کشور بر اثر تغییرات فراوان دچار آسیب شد. این تغییرات (خط و الفبا)، با تغییر الفبای رایج فارسی به نوعی الفبای اصلاح شده عربی-فارسی آغاز شد، سپس مدتی الفبای لاتین رواج داده شد و دست آخر در سالهای 1939-40 حروف و الفبای سیریلیک روسی جای حروف و الفبای فارسی-عربی را گرفت. اما تغییر خط تنها تغییر علامتهای زبانی نیست. خط در بستر معانی و مفاهیم و روح ویژه یک زبان شکل می‌گیرد و توسعه می‌یابد. و چنانچه می‌دانیم خط دارای یک جنبه نیرومند ذوقی و هنری نیز هست. که با کل فرهنگ و هنر یک ملت ارتباط ارگانیک دارد. ثانیاً تغییر خط در کوتاه مدت پیوند نسلهای جدید را با گنجینه‌های فرهنگی، آداب و سنن، دین، تاریخ و ادبیات و زبان که سرمایه بزرگ هر ملت و اساس هویت فرهنگی آن است، سست می‌کند و در دراز مدت ممکن است به انقطاع کامل فرهنگی بیانجامد. این همان سیاستی بود که دولت شوروی سابق برای منزوی کردن و اخته کردن اقوام و اقلیتهای آسیای مرکزی در پیش گرفت و به طور جدی این جوامع را دستخوش بحران هویت کرد. (مرتضویان، 1374، ص 43) در طول حکومت اتحاد جماهیر شوروی، لغات و اصطلاحات زیاد به عنوان واژگان بیگانه استاده می‌شد. و اصطلاحات تاجیکی تحت تاثیر تلفظ و ساختار روسی بود. (iranicaonline، 2012، p.1) در 22 جولای 1989 وقتی تاجیکستان بخشی از اتحاد جماهیر شوروی بود، قانون زبان تصویب شد و و این قانون دست نخورده باقی ماند تا هنگامی که تاجیکستان به عنوان یک کشور مستقل قانون اساسی جدید را در سال 1994 تصویب کرد. (2008، p.501، Nagzibekova) البته قانون جدیدی در سال 2009 تصویب شد که شهروندان تاجیکی ملزم به یادگیری زبان تاجیکی هستند. در حالیکه قانون قبلی تصویب شده در سال 1989 به شهروندان، حق انتخاب زبان ارتباطات خود با مقامات دولتی را می‌داد. امروزه زبان تاجیکی تنها زبان رسمی تاجیکستان است. (sharipora، 2009، p.1)

ج) نوروز

نوروز به عنوان یک میراث فرهنگی در دوران معاصر همواره مورد توجه مردم قرار داشته است و هر ساله برگزار می‌شود. البته برگزاری جشن نوروز به صورت آشکار در برخی از کشورها توسط برخی حکومت‌ها برای مدت زمانی ممنوع بوده است. حکومت شوروی برگزاری جشن نوروز را در برخی از کشورهای آسیای میانه مانند ترکمنستان، قرقیزستان و تاجیکستان ممنوع کرده بود. و این ممنوعیت تا زمان میخائیل گورباچف ادامه داشت.

International Conference on Research and Innovation in Arts and Humanities

با وجود این مردم این مناطق نوروز را به گونه پنهانی و یا در روستاها جشن می‌گرفتند. همچنین برخی از مردم این مناطق برای جلب موافقت مقامات محلی نام دیگری روی نوروز می‌گذاشتند. برای مثال در تاجیکستان، مردم با اطلاق «جشن لاله» یا «8 مارس» نوروز، سعی می‌کردند که آئین‌های نوروز را بی‌مخالفت مقامات دولتی برگزار کنند. (قلی‌زاده، 1392، ص 6) امروزه نیز عید نوروز برای مردم تاجیکستان به ویژه مردم بدخشان عید ملی نیاکان است و از آن به عنوان عید بزرگ یاد می‌کنند. فارغ از آنکه در مناطق گوناگون با رسوم خاص و آداب ویژه‌ای نوروز را پاس می‌دارند، نکته اساسی در پیوند عمیق فرهنگی این مناطق با سرزمین ایران است که می‌تواند رشته‌های گسست‌ناپذیری میان ایرانیان و مردمان این سرزمین‌ها به وجود آورد. در واقع بزرگداشت نوروز در تمام کشورهای آسیای مرکزی نشان از میزان تاثیرپذیری آنان از فرهنگ ایرانی دارد که می‌تواند زمینه مناسبی جهت تسهیل روابط سیاسی فراهم سازد و به عنوان یکی از عوامل وحدت بخش ساکنان ایران زمین (فلات ایران) به شمار آید. (اخوان‌کاظمی، مرادی، پیشین، صص 15-16)

چالشها و عوامل واگرایی ایران در تعامل با تاجیکستان

الف) تقابل اسلام شیعی و نیز انقلابی با اسلام سنی ارائه شده در چارچوب نظام‌های سکولار آسیای مرکزی، نفوذ فرهنگی و زبانی قدرت‌هایی چون روسیه و ترکیه و تبلیغات وسیع ضد ایرانی از سوی قدرت‌های فرامنطقه‌ای مانند ترکیه و آمریکا را باید از مهمترین عوامل واگرایی ایران و آسیای مرکزی در حوزه فرهنگی به شمار آورد. نکته قابل توجه آن است که کشورهای آسیای مرکزی پس از استقلال دچار نوعی بحران هویت و مشروعیت‌گریده و در گذر از ملت‌سازی و دولت‌سازی می‌باشند. از این رو برای جبران خلاء‌های موجود دست به تاریخ‌سازی و در مواردی جعل تاریخ می‌زنند تا هویتی جدید و مستقل از خود به کشورهای منطقه و جهان ارائه دهند. از اینرو به موازات تحریک و حمایت‌های کشورهای چین، آذربایجان و ترکیه و آمریکا، اقداماتی مانند پاکسازی کتابخانه‌های سمرقند و بخارا از کتاب‌های فارسی، مصادره ملیت شاعرانی چون رودکی و ناصر خسرو از سوی تاجیکستان صورت می‌گیرد. و متأسفانه با تحریف تاریخ در کتاب‌های درسی آسیای مرکزی، تصویری مخدوش و تجاوز طلب از ایران در ذهن دانش‌آموزان و دانشجویان آسیای مرکزی در حال شکل‌گیری است که می‌تواند تاثیر بسیار منفی و مخربی در ذهنیت آینده‌مدیران و تصمیم‌گیران کشورهای آسیای مرکز در قبال ایران داشته باشد. (کوزه‌گر، 1386، ص 53) از سویی ترکیه و جمهوری آذربایجان سعی در به چالش کشیدن آنچه که امروز از آن به عنوان فرهنگ مشترک با جمهوری اسلامی ایران یاد می‌شود، می‌کنند. آنها با گسترش اندیشه پان‌ترکیسم سعی دارند، اقوام ترک منطقه به ویژه قرقیزها، قزاقها، ازبک‌ها و ترکمن‌ها را از تاریخ و هویت مشترک ب جمهوری اسلامی ایران دور کنند. امروزه شاهد آن هستیم که برای بسیاری از قومیت‌ها که اکثر آنها بعد از حمله مغول در منطقه سکنی گزیده‌اند، هیچ دلیلی وجود ندارد خود را از فرزندان سعدی

International Conference on Research and Innovation in Arts and Humanities

ها، باخترها و خوارزمی‌ها بدانند. همچنین مشکلات فرهنگی کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز در طول هفتاد سال حکومت اتحاد جماهیر شوروی این فرصت را برای ترکیه فراهم آورد تا پس از استقلال دست یاری به سوی آنها دراز کند و به گسترش ملیت‌گرایی و تشکیل دولت بزرگ ترک بپردازد. بدین منظور درست پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، دو سازمان نیم‌دولتی «بنیاد زبان ترک» و «بنیاد تاریخ ترک» که هر دو وابسته به موسسه‌های فرهنگ، زبان و تاریخ آتاتورک هستند، مسئولیت‌های سیاست فرهنگی ترکیه به کشورهای حوزه آسیای مرکزی و قفقاز را بر عهده گرفتند. از سوی دیگر بنیادها و سازمان‌های متعددی از قبیل بنیاد آموزشی ترکیه، بنیاد ادبیات ترک، بنیاد آموزش ملی، بنیاد پرورش‌های علمی و بنیاد فرهنگ و آموزش، نقش اساسی در گسترش سیاست آموزشی ترکیه به جمهوری‌های آسیای مرکزی داشته و دارند. (اخوان کاظمی، مرادی، پیشین، ص 23-19)

ب) تعارضات درونی یک نظام، از عوام عمده تحول و تغییر آن است. دولت‌های آسیای مرکزی از یک طرف با اسلام و اسلام‌گرایی مبارزه می‌کنند و از طرف دیگر، با پافشاری بر اسلام دولتی کارکرد مشروعیت‌ساز آن را خواستارند. این تعارض درونی حاکمیت در کشورهای آسیای مرکزی به مثابه بی‌تعادلی هرم در حال چرخش است. در حوزه داخلی وضع روبه‌رشد اسلام‌گرایی و ارتباط دین و دولت از مهمترین مسائل کشورهای منطقه است. (کبرایی، 1390، ص 74) مقامات تاجیکستان نیز در راستای محدود ساختن فعالیت‌های گروه‌های اسلام‌گرا اقدامات سختگیرانه‌ای را وضع نموده است. تاجیکستان به عنوان کشور مسلمان هم‌مرز با افغانستان در ماه مارس 2009 قانون مذهبی جدیدی را به اجرا گذاشت که به دلیل محدودیت‌آفرینی بسیار برای گروه‌های مذهبی، انتقاد بسیاری از مخالفان دولت و حتی کشورهایی همچون آمریکا را به دنبال داشت. این قانون به دولت اختیار می‌دهد که کنترل‌های سختگیرانه‌تری را بر روی گروه‌های مذهبی این کشور وضع کند؛ به گونه‌ای که فقط نسخه تائید شده دولت از اسلام قانونی تلقی می‌شود. همچنین قانون جدید سانسورهایی را روی ادبیات مذهبی (شامل متون خارجی) تحمیل می‌کند و اجرای مناسک و آداب مذهبی را به مکان‌های مورد تصویب دولت محدود می‌کند. این قانون ثبت شدن را برای اجتماعات مذهبی جدید دشوارتر می‌سازد. و بدان معنی است که شمار زیادی از مدارس مذهبی ثبت نشده یا حوزه‌هایی که از زمان استقلال در سال 1991 پدید آمده‌اند و نیز صدها مسجد در سرتاسر کشور غیر قانونی‌اند و باید از بین بروند. در چارچوب نظارت بر موسسات مذهبی نیز تعداد زیادی از مدارس زیرزمینی با این تصور که آنها عقاید افراطی را ترویج می‌کنند مورد حمله پلیس و نیروهای امنیتی قرار گرفتند. با وجود اینکه روسری و پوشش موی سر در میان بسیاری از زنان جوان تاجیک محبوب شده است، دولت این کشور حجاب را به عنوان یک شاخصه از فرهنگ خارجی، در مدارس و دانشگاه‌های این کشور غیرقانونی اعلام کرده و دانشجویانی را که برخلاف این قانون رفتار کنند اخراج می‌کند.

International Conference on Research and Innovation in Arts and Humanities

کند. اگرچه قانون محدودیت‌های مذهبی نسبت به همه ادیان و مذاهب وضع شده است، با این حال نسبت به اسلام و بویژه برخی از فرقه‌های آن با شدت بیشتری اجرا می‌شود. برای مثال قانون جدید با کنار گذاشتن اقلیت‌هایی چون ازبک‌ها و پامیری‌ها که پیرو شیعه‌ی اسماعیلی‌اند، مدارس حنفی را در اولویت قرار داده است. مبارزه با مظاهر اسلامی در تاجیکستان که با عنوان مبارزه با افراط‌گرایی صورت می‌گیرد، نگرانی‌هایی را در رابطه با آینده اسلام و حتی رشد افراط‌گرایی مذهبی در این کشور برانگیخته است. اگرچه نگرانی مقامات تاجیکستان از گسترش بنیادگرایی و از بین رفتن ثبات اجتماعی و مذهبی در این کشور و به عنوان مثال تلاش برای مقابله با جریان سلفیه قابل درک است، ولی نمی‌توان این امر را نادیده گرفت که در کشوری که ادعای سکولاریسم در نظام سیاسی خود را دارد، بین ادیان و مذاهب مختلف تبعیض وجود دارد و این امر می‌تواند نارضایتی سایر گروه‌های مذهبی و دامن زدن آنها به رفتارهای افراطی را در پی داشته باشد. بویژه اینکه ممنوعیت حجاب در مدارس و دانشگاه‌ها نیز در کشوری که اکثریت آن را مسلمانان تشکیل می‌دهند، می‌تواند موجب ادامه تحصیل این دانشجویان در خارج از این کشور و تاثیر پذیری احتمالی آنها از عقاید افراطی شود. در ورای این مقابله نیز آنچه از نگاه ناظران پنهان‌نمانده است، افزایش قدرت رئیس‌جمهور تاجیکستان است که به این بهانه می‌تواند هرگونه مخالفتی را سرکوب کند (عطری، 1389، ص 1) اما در بعد مشکلات موجود در حوزه اسلام‌خواهی در عرصه خارجی می‌توان به شیوه‌های ترویج افکار مذهبی به اعلام آمادگی کشورهایی چون ترکیه و عربستان و مصر و پاکستان مبنی بر پذیرش دانشجویان برای موسسات مذهبی خود بوده است. اشتیاق به فراگیری تعالیم اسلام در بین جوانان آسیای مرکزی همواره وجود داشته، به نحوی که سالانه بسیاری از آنان برای فراگیری علوم اسلامی، راهی کشورهای مذکور می‌شوند. اما از ابتدای سال 2000، حاکمان کشورهای آسیای مرکزی تمامی دانشجویان دینی خود را از کشورهای مذکور فراخواندند، زیرا معتقد بودند که جوانان کشورشان به جای یادگیری علوم دینی، مشغول فراگیری افکار افراطی و روش‌های تروریستی‌اند. (کبریایی، 1390، ص 74) امام علی رحمان، رئیس‌جمهور تاجیکستان نیز در مارس 2001 چنین حرکتی کرد و برای بار دوم سال 2011 به شدت بیشتری دستور داد که همه دانشجویان تاجیک مشغول تحصیل در مدارس و مراکز آموزشی خارج از کشور از جمله در پاکستان و عربستان و مصر و ایران باید بی‌درنگ به تاجیکستان بازگردند. شدت اقدامات در این زمینه به حدی بود که حتی از ادامه تحصیل دانش‌آموزان تاجیک در مجتمع آموزشی امام صادق (ع) در ایران به بهانه نامطلوب بودن وضع بهداشتی و آموزشی این مجتمع جلوگیری کردند. حقیقت این است که با وجود اشتراکات فرهنگی-اسلامی، ایران اهرم فشار چندانی در منطقه ندارد. رسم شدن تشیع بعنوان مذهب برتر در ایران در سده 16 میلادی، شکافی فرهنگی میان ایران و کشورهای منطقه پدید آورد و در آسیای مرکزی و قفقاز که بیشتر مذهب سنی و صوفی‌گری حاکم بود، تلاش ایران برای نفوذ با ایستادگی روبه‌رو شد. امروزه نیز رهبران مذهبی، زمامداران و همچنین مخالفان بیشتر آموزش‌های خود را در

International Conference on Research and Innovation in Arts and Humanities

کشورهای عرب و سنی مذهب دیده اند. بدین سان ایران چندان تمایلی به پشتیبانی از گروه‌های نظامی اسلام‌گرا در منطقه ندارد، زیرا به تفاوت‌های ژرف ایدئولوژیک خود با این جمهوریها و همچنین رهبران سکولار آنها را به خوبی آگاه است. (محمد شریفی، 1388، ص 59) بنابراین تقابل اسلام شیعی و انقلابی با اسلام سنی، نفوذ پاکستان و عربستان با اهداف ایدئولوژیکی به قصد گسترش اندیشه وهابیت و همچنین احیای صوفیگری از سوی ترک‌ها، از جمله چالش‌های جدی است که در حوزه نفوذ ایران در تاجیکستان تاثیر گذار است. با توجه به اینکه اغلب مطبوعات غربی مردم جهان را از تهدید و رادیکالیسم و افراط‌گرایی می‌هراسانند. با این وجود، هر شخص به آسانی می‌تواند درک کند که همکاری مهمترین اصل در منطقه است. وجود حرکت‌های رادیکال نباید ما را گمراه کند. موضوع مهم همان گرایش کلی منطقه به سوی اسلام است. اسلامی که ماهیتا سازنده است و بر اساس اصل همکاری آینده‌جدیدی را نوید خواهد داد. (ملکی، 1376، ص 34)

فرصت‌های فرهنگی ایران و تاجیکستان

امروزه قدرت نرم و فرهنگی در عرصه روابط بین‌الملل، اهمیت و الویت خاصی یافته است. به گونه‌ای که همه کشورهای تاثیرگذار در نظام بین‌الملل درصدد استفاده بهینه از عناصر و ابزارهای فرهنگی و نرم برای تامین اهداف و منافع ملی خود هستند. چون اعمال قدرت نرم و فرهنگی در بردارنده هزینه کمتر و دستاورد بیشتری نسبت به دیگر عناصر قدرت است. بر این مبنا، انقلاب فرهنگی مردم ایران در سال 1357، هدف گسترش فرهنگ ایرانی-اسلامی را در دستور کار سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران قرار داد. بر این اساس، یکی از مهمترین سازوکارها و ابزار تامین اهداف فرهنگی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، مبنی بر گسترش عناصر فرهنگ ایرانی-اسلامی و الهام بخشی در جوامع دیگر، تدوین، تنظیم و اجرای دیپلماسی فرهنگی کارآمد و روز آمد است. نوعی دیپلماسی کنشگر و کنش‌مند که بتواند فرصت و بستر لازم برای استفاده بهینه از داشته‌ها و خاصه‌های فرهنگی ایران و انقلاب اسلامی برای تامین منافع ملی کشور را فراهم آورد. با این مقدمه کوتاه، دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران عبارت است از تلاش و کوشش و اقدامات از پیش طراحی شده و سازمان یافته جمهوری اسلامی برای تاثیرگذاری بر برداشت‌ها، ادراکات، افکار، انگاره‌ها، ایده‌آل‌ها، ارزش‌ها، ایستارها و باورهای ملت و کشورهای دیگر از طریق تبیین و ترویج فرهنگ و تمدن ایران و انقلاب اسلامی و شناخت و درک واقعی از فرهنگ‌ها و تمدن‌های دیگر به منظور تامین و توسعه منافع ملی. (کبریایی نژاد، دست‌جردی، کبریایی زاده، 1391، ص 40) همچنین با توجه به اینکه مقوله فرهنگ را می‌توان چارچوب مسلط روابط بین‌الملل، پشتوانه اصلی کردار دولت و سرچشمه اصلی برخورد در امور جهانی تلقی کرد، لذا باید توجه بیشتری به ژئوکالچرگرایی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران صورت گیرد. بر این اساس ژئوکالچرگرایی ایران در قبال تاجیکستان باید متناسب با قرابت ملیتی و فرهنگی تاجیک‌ها و ایرانی‌ها تدوین

International Conference on Research and Innovation in Arts and Humanities

گردد. به خصوص تمایل هر دو کشور درباره ایجاد اتحاد کشورهای فارسی زبان که افغانستان ضلع سوم آن است، می‌تواند به پیشبرد ژئوکالچرگرایی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران کمک‌های شایان توجهی نماید. لیکن روابط همه‌جانبه فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و میان این دو کشور، تنها پس از استقلال جمهوری تاجیکستان و به رسمیت شناخته شدن آن توسط ایران میسر شد و از آن پس گام‌گام گسترش یافت. با این حال به نظر می‌رسد هنوز هم تحت تاثیر تبلیغات منفی کمونیست‌ها، چهره‌ای مخدوش از ایران نزد مردم تاجیکستان وجود دارد. از این رو با توجه به قطع ارتباط‌های فرهنگی میان مردم ایران و تاجیکستان باید بیش از پیش سدها و موانع فرهنگی موجود میان دو کشور شکسته شود. در این راستا تاکید بر مظاهر تمدن ایرانی و گسترش زبان فارسی می‌تواند تا حد زیادی راهگشا باشد. زیرا تاجیک‌ها علاقه وافری به فرهنگ و تمدن ایرانی دارند. و خود را متعلق به فرهنگ و تمدن فارسی-ایرانی در طول تاریخ می‌دانند (بهمن، 1389، صص 44-45) لذا با توجه به اهمیت نقش فرهنگ در روابط ایران با دوشنبه، به نظر می‌رسد سرمایه‌گذاری در این زمینه نه تنها از نظر اقتصادی سودمند می‌باشد، بلکه از لحاظ معرفی فرهنگ ملی - اسلامی ثمربخش خواهد بود. لذا راهبردهایی با توجه به فرصت موجود در روابط ایران و تاجیکستان در حوزه فرهنگ مورد نظر می‌باشد که در ذیل به آنها اشاره می‌گردد:

(الف) بی‌تردید اسلام‌گرایی را باید نقطه مهم هویت مشترک جمهوری اسلامی ایران و کشورهای آسیای مرکزی قلمداد کرد. ولی با توجه به رشد رادیکالیسم و همچنین اسلام دولتی در این منطقه و پاره‌ای علل دیگر (از جمله اعمال فشار داشتن بر کشورهای منطقه برای تاثیر بر روابط و مناسبات آن‌ها با ایران، نگاه این کشورها در سطح داخلی به اسلام و اسلام‌گرایی به عنوان یک تهدید جدی، ستیز مستمرشان با اسلام و پافشاری بر حذف اسلام و اسلام‌گرایی از عرصه مناسباتشان با ایران نشان می‌دهد که تمسک به اسلام به عنوان یک فرصت، در گسترش مناسبات با آنها دشوار و نیازمند تدبیر و زیرکی است. (کبریایی، 1390، صص 76) در این میان جمهوری اسلامی ایران می‌تواند با اقداماتی همچون اعزام مبلغ دینی جهت معرفی چهره واقعی اسلام، گسترش توریسم مذهبی و فراهم آوردن زمینه سفر مردم و نخبگان منطقه به شهرهای مذهبی جمهوری اسلامی ایران و مشاهده پیشرفت‌های ایران در دوران پس از انقلاب اسلامی به اصلاح چهره مخدوش اسلام در میان مردم و نخبگان بپردازد. تنها با صرف بیان تاثیر دین بر پیشرفت جمهوری اسلامی ایران، انتشار کتاب و سخنرانی نمی‌تواند چهره مخدوشی که دشمنان از دین اشاعه داده‌اند را اصلاح نمود و این مهم تنها با مشاهده مستقیم جامعه امکان‌پذیر است. (کاظمی اخوان، مرادی، پیشین، صص 14-15)

(ب) زبان و خط فارسی:

International Conference on Research and Innovation in Arts and Humanities

زبان فارسی یکی از زبان‌های عمده جهان است که گذشته از مزایای بی‌شمار ادبی و هنری رهگشای گسترش اسلام بوده است. طبق شواهد تاریخی، حتی در عهد هخامنشیان و ساسانیان زبان و ادبیات فارسی قدیم در خارج از مرزهای کشور ایران نفوذ داشت. پس از ظهور اسلام سلسله‌هایی که در زمان خلافت بنی عباس در ایران تشکیل شد موجب پیشرفت زبان فارسی شد. (صالحی امیری، محمدی، پیشین، ص 199) بر این اساس گسترش زبان فارسی در خارج از کشور یکی از مهمترین ابرزهای اعمال قدرت نرم توسط جمهوری اسلامی ایران است. بدین جهت یکی از مهمترین راهبردهای نظام در دیپلماسی فرهنگی، توجه به بحث گسترش زبان فارسی است. (صادقی، 1391، ص 52) در حالی که بسیاری از ملل و اقوام در طول زمان، به دلایل گوناگون زبان خود را گم کردند و زبانشان به حدی دستخوش دگرگونی‌های واژگونی و ساختاری شد که هویتش را از دست داد، تاجیکان توانستند زبان خود را که شاخص‌ترین رکن هویت آنان است در کشاکش ایام و رویدادهای بنیان برانداز حفظ کنند. به قول یکی از محققان تاجیکی (زبان کنونی تاجیکی... با وجود آن همه پراکندگی تاریخی ای که از اواخر قرن دهم تا ابتدای قرن بیستم برایش نصیب شده است و آن همه گردوغباری که با مرور زمان بر بالایش نشست، ریشه شجره این خلق خشک نشده است و هم باغ تمدن باستانی اش خزان را ندیده است. صدرالدین عینی با گردآوری اشعار شاعران فارسی زبان ماورالنهر از زمان کودکی تا زمان تایف کتاب «نمونه ادبیات تاجیک» عملاً نشان داد که بوستان شعر و ادب و زبان فارسی در ماورالنهر به راستی در گذر ایام و در تندبادهای حوادث طراوت خود را حفظ کرده است. (مرتضویان، پیشین، ص 42) می‌توان اذعان داشت که زبان فارسی مهمترین عنصر در شکل‌گیری هویت و فرهنگ تاجیکی می‌باشد. (atai, 2012, p. 88) تاجیکها ایران را به عنوان وطن فرهنگی خود به حساب می‌آورند. با این احتساب ایرانیها اقداماتی را در ابتدا در جهت احیای زبان فارسی انجام داده‌اند. از جمله اینکه در زمینه احیاء زبان و الفبای آن، کتاب کلاس اول را با الفبای فارسی تهیه و چاپ و در اختیار دانش‌آموزان تاجیکی قرار داده است. زبان فارسی در احیای علاقه ملی و حس وطن دوستی تاجیکها بسیار موثر است و در تاجیکستان سال 1313/1934 هجری در شهر دوشنبه پایتخت تازه بنیاد جمهوری تاجیکستان شاعران و ادیبان تاجیک انجمن ادبی خود را درست کردند و فعالیتهای ارزنده ای در حفظ و صیانت از زبان و اشعار فارسی انجام دهند. ایران در زمینه تثبیت زبان فارسی در این کشور می‌تواند اقدامات مختلفی را انجام دهد. تدوین و تالیف فرهنگی تاجیکی به فارسی یکی از این راهکارها می‌باشد. تالیف این فرهنگ متضمن بهره‌گیری متقابل برای هر دو ملت است. فارسی و تاجیکی هر دو از یک خانواده و زبان پیوندها هستند ولی مختصات لغوی هر یک، اندکی با زبانی دیگر متفاوت است. (طباطبایی، 1371، ص 71) در زمینه کارهای پایه نیز باید از کودکان آغاز کرد. کتابهای درسی، ادبی و علمی مناسب به خط فارسی برای کودکان تهیه شود، کتابهایی که به ارزشهای ملی آنها احترام بگذارد و مطابق ذوقشان باشد و علاقه شان را به ادبیات فارسی افزایش دهد. (ایرانی، 1371، صص 3 و 4)

International Conference on Research and Innovation in Arts and Humanities

ج) اگرچه گردشگری، بهداشت و زیرساخت‌های حمل و نقل در تاجیکستان ضعیف است. (gov, 2014, p.1) اما ایران می‌تواند پیشگام باشد. در بخش گردشگری اقداماتی که موجب تفاهم فرهنگی شهروندان تاجیکی با ایران می‌شود، راه‌اندازی و حمایت از تورهای گردشگری است. کاری که در دهه 90، دولت عربستان نیز تحت عنوان حج رایگان برای مردم آسیای مرکزی حمایت بسیاری از آن کرد. به عنوان مثال برغم روابط تیره یونان و ترکیه، حمایت دو کشور از گردشگری نتایجی خیره‌کننده در حسن روابط دو کشور داشته است. (کبریایی، پیشین، ص 79)

د) به منظور بهره‌گیری از پتانسیل‌های موجود و کاستن از عوامل چالش‌زا در حوزه فرهنگی، جمهوری اسلامی ایران نیازمند برنامه‌ریزی واقع‌بینانه و انتخاب استراتژی تساهل و تعقل با تکیه بر تقویت فرهنگ ایرانی اسلامی به جای غلبه ایدئولوژیک فرهنگ اسلامی از نوع جمهوری اسلامی ایران در تنظیم روابط بین‌حکومتی سیاست خارجی است. از این رو تبیین نقش میراث فرهنگ ایرانی-اسلامی و تقابل آن با ناسیونالیسم ملی (ترکی) و چالش‌های ناشی از رقابت فرهنگی غربی با فرهنگ ایرانی-اسلامی باید مورد توجه قرار گیرد. (کوزه‌گر، 1386، ص 53) البته تلاش‌های فرهنگی آنگاه می‌توانند موثر واقع شوند که از پایداری برخوردار باشند و فعالیت‌های کوتاه‌اثر، هرگز نمی‌تواند در جهت تقویت روابط فرهنگی موثر باشند. ویژگی‌های فرهنگی مشترک بین دو کشور قابلیت پایداری را دارند و به آسانی می‌توان با کمک شیوه‌هایی همچون اعطای بورسیه‌های تحصیلی متقابل، ترجمه و چاپ کتاب‌های سودمند به پایداری سیاست‌های فرهنگ کمک کرد. پرداختن به فعالیت‌های مشترک پایداری راهی است که می‌توان از آن به هدف دوستی و یکدلی در روابط پایداری دست یافت. (ملکیان، پیشین، 112)

ه) همکاری‌های مشترک در زمینه ساخت فیلم، موسیقی و تبادل گروه‌های هنری همچون تاتر می‌تواند در تثبیت هنر ایرانی-اسلامی موفق باشد. تاتر یکی از زمینه‌های هنری مهمی است که تاجیکستان نیز همانند ایران سابقه طولانی دارد. تاتر در اواخر 1920 به تاجیکستان آمد. اولین گروه تاریخی تاتر در 1929 در دوشنبه تاسیس شد. و در سال 1994 قریب به 11 گروه فعال تاتری در این کشور وجود داشته است. (atai, 2012, p.93) بنابراین در این راستا می‌توان از پویاترین هنر در زمینه ارتباط با مردم بهره گرفت.

ی) توین بی، اندیشمندان و روشنفکران را به مثابه قشر و لایه‌ای از واسطه‌های فرهنگی و به طور دقیق‌تر میان تمدنی تلقی می‌کند. این لایه در هر جماعتی که در صدد حل مسئله انطباق خود با آهنگ یک تمدن غریبه است، که به اجبار به آن وابسته شده و یا آزادانه به آن گرویده است، ظاهر می‌شود. این میانجی‌های فرهنگی همانند واسطه‌ها عمل می‌کنند. آنان نسبت به فرهنگ خود حاشیه‌ای به حساب می‌آیند. (صالحی)

International Conference on Research and Innovation in Arts and Humanities

امیری، محمدی، پیشین، 403) در این راستا هیاتهای علمی تاجیک بارها از مراکز علمی و دانشگاهی ایران بازدید و هم‌تایان ایرانی شان نیز از تاجیکستان دیدار داشته‌اند. دانشمندان تاجیک در سمینارهای متعدد که از سوی مراکز علمی و فرهنگی و نیز وزارت امور خارجه برگزار شده است، فعالانه شرکت داشته‌اند. (جوادی ارجمند، اسمعیلی، 1391، ص 108) با این اوصاف تقویت روابط نخبگان در میان دو کشور یکی از مهمترین راهها در جهت گسترش فرهنگ ایرانی-اسلامی می‌تواند مفید باشد. البته برنامه ریزان فرهنگی باید از هر دو گروه نخبگان فکری و نخبگان ابزاری در این فرایند استفاده نمایند. کوتاه سخن اینکه، جغرافیای فرهنگی علاوه بر مکان، زمان را هم در برمی‌گیرد. حوزه نفوذ و دایره تاثیر فرهنگ، جان و روح انسانهاست و همین، گستردگی و در عین حال حساسیت این جغرافیا را عیان می‌کند. جغرافیای فرهنگی نژاد، زبان و حتی دین انسانها را در می‌نوردد و قادر است چتری به همه انسانهای گذشته، حال و آینده بگستراند. و سایه اش را بر همه رهگذران بیندازد. گستردگی و حوزه نفوذ فعالیت های فرهنگی در جهان امروز که با تکنولوژی با سرعت غیر قابل پیش بینی و مهار نشدنی آمیخته شده، ضرورت تجهیز دانایی و توانایی را نه تنها گوشزد، بلکه فریاد می‌کشد. غفلت از دانایی و نادیده انگاشتن آن در فعالیت های فرهنگی جرمی نابخشودنی و حرکت بر مسیری بی سرانجام است. (صالحی امیری، محمدی، پیشین، صص 199-200) بنابر این گسترش و تقویت روابط ایران و تاجیکستان بر مبنای فرهنگ با سیاستگذاری و برنامه ریزی دقیق کارگزاران می‌تواند زمینه ساز حفظ دستاوردهای هزاران ساله میراث تمدن ایرانی-اسلامی قرار گیرد که این مهم بر اساس مناطق جغرافیای فرهنگی و شاخص هویتی و فرهنگی مشترک شکل می‌گیرد.

نتیجه

از دوران کهن تا به امروز، شاهد برقراری روابط میان گروه ها، دولت‌ها و جمعهای مردمی بر اساس مقوله فرهنگی بوده ایم. که این مسئله در میان ملت‌هایی که دارای هویت و میراث فرهنگی قروی تری بوده اند، مهمتر جلوه می‌کرد. در این میان تمدن ایرانی-اسلامی با توجه به میراث غنی و عناصر فرهنگی خود همواره در عرصه های جهانی خوش درخشیده است. منطقه آسیای مرکزی و جمهوری های تازه استقلال یافته نیز با توجه به امتیاز اشتراکات زبانی، دینی و تاریخی از حوزه های مهمی است که سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نگاه ویژه و خاصی را به آن دارد. در میان کشورهای این حوزه، شاید بتوان جمهوری تاجیکستان را از جمله معدود مللی دانست که در دوران حاکمیت هفتاد ساله کمونیستی توانسته تا حدودی از ارزشهای فرهنگی و میراث تاریخی اش حفاظت کند که این مهم زمینه ساز فرصت های بی نظیری برای ایران شده تا در تدوین اهداف استراتژیک خود توجه ای ویژه به این کشور داشته باشد. پس از انقلاب در جهت صدور ارزشهای انقلاب، و تبیین جایگاه نظام اسلامی تلاش برنامه ریزان فرهنگی بر مبنای

International Conference on Research and Innovation in Arts and Humanities

استفاده از قرابت های فرهنگی و تمدنی با توجه به قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در این حوزه بوده است. که در روابط با تاجیکستان بر اساس توافقنامه و تفاهمنامه های فرهنگی اقدام به استفاده از ظرفیت های این کشور از مجرای روابط رسمی نموده است. بهره گیری از فرهنگ ایرانی، تمدن اسلامی، اندیشمندان تاریخی و سرمایه های مادی و معنوی فرهنگی سبب شده تا راهبردهای کلانی در روابط دو کشور نقش موثری را ایفا کند. البته این رابطه در طول سه دهه پس از انقلاب اسلامی دارای نقاط قوت و ضعفی بوده است. قابلیت بازتولید هویت فرهنگی و وجود روابط فرهنگی قومی و بهره گیری از زبان پارسی از جمله این نقاط قوت می باشد. اما برنامه ریزان فرهنگی در کنار توجه به این فرصتها، باید توجه مهمی را نیز به مقابله با چالشها و تهدیدات موجود فرهنگی نمایند. اشباع تولیدات فرهنگی، عدم تبلیغ پویا، ضعف انسجام و فقدان مدیریت استراتژیک نیز از جمله ضعفهایی می باشد که رابطه دو کشور ایران و تاجیکستان را در عرصه فرهنگی تهدید می کند. حضور بازیگران منطقه ای و بین‌المللی در جمهوری های تازه استقلال یافته همچون آمریکا با هدف بهره برداری از منابع طبیعی و تثبیت هژمونی خود، نفوذ کشورهای همچون عربستان و پاکستان در جهت گسترش وهابیت و ایجاد تقابل میان مسلمانان باید مدیران فرهنگی دو کشور و بالاخص جمهوری اسلامی ایران را ملزم سازد تا در جهت تلاش تدوین برنامه ریزی منظم و بلند مدت گام های موثری را بردارند. ایجاد موسسات آنلاین آموزش زبان فارسی، تاسیس مراکز تحقیقاتی مشترک در زمینه های ایران شناسی و اسلام شناسی، تولید برنامه های مناسب هنری و انعقاد توافق نامه در زمینه مبادلات فرهنگی، گردشگری و ایجاد تورسیم های فرهنگی، مذهبی از جمله راهکارهایی است که سیاستگذاران در جهت گسترش و تثبیت این همگرایی در میان ملت های دو کشور باید مورد توجه قرار دهند. شاخص های فرهنگی نشانگر این می باشد که دو کشور دارای منبع قوی فرهنگی بوده اند. بنابر این باید با استفاده از ظرفیت ها و فرصت های موجود در این رابطه فرهنگی، در راستای تبیین عظمت تمدن ایرانی- اسلامی و انتشار پیام و اهداف انقلاب گام های اساسی برداشت.

منابع و مأخذ:

- احمد، متین دوست (1379)؛ «زبان های ایرانی کنونی در تاجیکستان». نامه پارسی، تابستان .
- اخوان کاظمی، مسعود و مسعود مرادی (1390)؛ «دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در آسیای مرکزی، فرصت ها و چالش های پیش رو»، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره 74 تابستان .
- اکبر، سید برهان (1388)؛ «ماه رمضان در تاجیکستان» دو ماهنامه آفاق مهر، شماره 35، مرداد - آبان .

International Conference on Research and Innovation in Arts and Humanities

ایرانی، ناصر (1371)؛ «ایران و تاجیکستان مستقل» : نشریه نشر دانش شماره 71، مرداد و شهریور.

ایرانی، ناصر (1371)؛ «ایران و تاجیکستان مستقل» : نشریه دانش، مرداد و شهریور، شماره 71.

بهمن، شعیب (1389)؛ «جمهوری اسلامی ایران و آسیای مرکزی؛ ظرفیت‌های همکاری و همگرایی منطقه‌ای». فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، شماره 71، پائیز.

پور پیمان، وهاب (1384)؛ «نقش آفرینی اتحادیه اروپا از دیدگاه سازه‌انگاری»، پژوهش حقوق و سیاست، شماره 14، بهار و تابستان.

تاجیکستان در یک نگاه دو ماهنامه آفاق مهر، شماره 23، مرداد و شهریور 1386

جوادی ارجمند، محمد جعفر و مرتضی اسمعیلی (1391)؛ «جایگاه دیپلماسی عمومی در روابط ایران و کشورهای فارسی زبان» فصلنامه سیاست، شماره 23، پاییز.

رحمانی، محمد (1387)؛ «بررسی مشترکات جغرافیای تاریخی، فرهنگی، اجتماعی کشورهای ایران و تاجیکستان» مجله چشم انداز جغرافیایی، شماره 6، بهار و تابستان.

صادقی، مسعود (1391)؛ «گسترش زبان فارسی مظهر قدرت نرم ج.ا.ایران». ماهنامه روابط فرهنگی. سال دوم/شماره 7/اردیبهشت.

طباطبایی، میر احمد (1371)؛ «نکاتی پیرامون پیوند فرهنگی ایران و تاجیکستان»، ادبیستان فرهنگ و هنر، آذر، شماره 36.

فشارکی، احمد وحسن علی (1377)؛ «جمهوری اسلامی ایران و تاجیکستان: چالشها و منافع ملی ایران» مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز. شماره 22، تابستان.

قلی زاده، عبدالحمید (1392)؛ «عید نوروز عامل هم‌گرایی در رابطه کشورها»، رشد آموزش علوم اجتماعی. بهار، شماره 58

کبریایی نژاد حسین و سید رضا حسینی دستجردی، زکیه کبریایی زاده (1391)؛ «اهمیت و نقش زبان و ادب فارسی در دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران»، ماهنامه روابط فرهنگی سال دوم، شماره 7، اردیبهشت.

کبریایی، علی (1390)؛ «اسلام سیاسی در آسیای مرکزی، بررسی فرصت‌ها و چالشهای جمهوری اسلامی ایران»، روابط فرهنگی. شماره 3، آذر.

کدخدایی، عباسعلی و نادر ساعد (1390)؛ تروریسم و مقابله با آن، تهران: مجمع جهانی صلح اسلامی.

International Conference on Research and Innovation in Arts and Humanities

کوزه‌گر، ولی‌الله (1386)؛ «چالشها و فرصت‌های ایران در آسیای مرکزی (بخش اول)»، گزارش، سال هفدهم، شماره 189، مرداد.

کوزه‌گر، ولی‌الله (1386)؛ «چالشها و فرصت‌های ایران در آسیای مرکزی (بخش دوم)»، گزارش، سال هفدهم، شماره 189، مرداد.

کولایی، الهه (1384)؛ «جمهوری اسلامی ایران و روابط فرهنگی با آسیای مرکزی. چشم‌انداز ارتباطات فرهنگی»، شماره 20، بهمن.

کیانی، داوود (1386)؛ منافع ملی جمهوری اسلامی ایران، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

محمد شریفی، مجید (1388)؛ «انقلاب اسلامی ایران و بنیادگرایی اسلامی»، اطلاعات سیاسی-اقتصادی: در آسیای مرکزی و قفقاز، خرداد و تیر شماره 261 و 262.

محمودی، مرتضی (1386)؛ «آسیای مرکزی و رشد همکاری‌های چند جانبه ایران و تاجیکستان»، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره 58، تابستان.

مرتضویان، سید علی (1374)؛ «بحران هویت ملی: نقش زبان و خط مشترک در بازسازی هویت ملی» نشریه *مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، دوره دوم، شماره 9، بهار.

ملکی، عباس (1376)؛ «اسلام در آسیای مرکزی و قفقاز: براساس نقش ایران»، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز بهار - شماره 17.

ملکیان، محسن (1391)؛ «روابط فرهنگی ایران و تاجیکستان»، مطالعات اوراسیای مرکزی، سال پنجم، شماره 11، پائیز و زمستان.

ونت، الکساندر (1388)؛ نظریه اجتماعی سیاست بین‌الملل، ترجمه: حمیرا مشیرزاده، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

منابع لاتین

Atai, Farhad. (January 2012), **Soviet Cultural Legacy in Tajikistan**, Iranian Studies, pages 81-95.

Atkin, Muriel. (1989), **THE SURVIVAL OF ISLAM IN SOVIET TAJIKISTAN**. Middle East Journal, vol.43, no.4 (autumn, 1989), pp.605-618.

in Tajikistan, International Journal of Bilingual Education and Bilingualism” . – (2008) Vol. 11, Nos. 3&4

International Conference on Research and Innovation in Arts and Humanities

iranica.(2012), **tajikiii.colloquial tajiki in(omparison with Persian of ira)**".www.iranicaonline.org.(access.may.2014)

Nagzibekova, Mehrinisso(2008),**Language and Education Policies**

sharipora, Tnigina.(2009) **official language enforced in Tajikistan**,
www.centralasiaonline.com/en-gb.(accessed .jul.2014)

فهرست منابع اینترنتی:

(تاریخ دسترسی 20/3/1393) روابط فرهنگی تاجیکستان و ایران 2013

<http://www.tajembiran.tj/fa/tajikistonu-iron.html>

تاریخ دسترسی 8/4/1393؛ آشنایی با تاجیکستان؛)

<http://www.irtjstudent.com/index.php?option=com>

تاریخ دسترسی (1/6/1393)؛ تاجیکستان و مسئله سلفی گری؛

۱۳۸۸ خرداد <http://www.aftabir.com/articles/A169741>

عطری، فاطمه (7/6/ 1393)؛ تاجیکستان: مبارزه با افراط گرایی مذهبی یا مقابله با اسلام؟

www.iras.ir